

آیات ذیل، خصوصیات رهبران بدعتها را به روشنی برای ما آشکار کرده، بر ملا می نماید.
تثنیه 18: 22، ارمیا 24: 16-32، حزقیال 1: 10-34، متی 7: 15-20، متی 23، دوم
قرنتیان 11: 4، 13-15

در دنیایی زندگی می کنیم که همه از یگانگی و پذیرش یکدیگر صحبت می کنند، تا دنیای
بهتری را به وجود آورند. درحالیکه باید یکدیگر را از فرهنگ های مختلف بپذیریم، باید از
تفاوت های هم نیز آگاه باشیم و بدانیم که چه طور ادیان مختلف، پیغام های متفاوتی را موعظه
می کنند.

البته بیشتر ما تفاوت بین ادیان گوناگون را می دانیم. به طور مثال ما تفاوت های عمده بین دین
بودایی، مسیحی و اسلام را می دانیم. اما در این درس می خواهیم توجه خاص خود را
بر مسیحیت متمرکز کنیم و هر تعلیمی را که تحت عنوان مسیحیت داده می شود، مورد ارزیابی
قرار داده، صحت و سقم آن را بررسی کنیم.

جالب است که حتی در میان مسیحیان، برخوردهای متفاوتی در رابطه با مفاهیم خاص وجود
دارد. اینجاست که مسئله کمی مشکل تر می شود.

از یک طرف ما نمی توانیم فکر کنیم که فقط آنچه که ما باور می کنیم، درست است و بقیه
اشتباه می باشند. از طرف دیگر نمی توانیم آنچه را که دیگران باور می کنند، بپذیریم.
برای حل این مشکل لازم است بدانیم که آنچه حقیقت است، حقیقت باقی می ماند، حتی اگر ما
آن را بپذیریم یا رد کنیم.

اصول اساسی در مسیحیت :

- برای انتخاب کلیسای درست، باید 4 اصل ذیل دیده شود.
- 1- کلام خدا، مرجع اصلی و نهایی تعالیم آن ها است: هیچ مرجع دیگری توانایی برابری با کلام
خدا را ندارد.
 - 2- ایمان به الوهیت و خدا بودن عیسی (عمانوئیل): اگر آن ها عیسی دیگری را غیر از مسیح
مجسم شده می پذیرند، بلافاصله کلیسای خود را عوض کنید.
 - 3- ایمان به قیام عیسی از مردگان: مسیح از باکره متولد شد، بر صلیب مرد، از مردگان
برخاست و یک روز باز خواهد گشت.
 - 4- ایمان به نجات توسط فیض: دانستن این که نجات هدیه ای از طرف خدا است.

5- ایمان به تثلیث: خدا یک شخص است در 3 شخصیت. خدای پدر، خدای پسر، خدای روح القدس.

متی 28: 19 ، یوحنا 8: 24 ، اول قرنتیان 15 ، افسسیان 2: 8-10

تعالیم و داکترین های هسته ای، مرکزی و اصلی نباید با مسائل غیر اساسی و فرعی که مسیحیان دیگر آن ها را نمی پذیرند، اشتباه گرفته شوند. منظور از تعالیم غیر اساسی و فرعی مسائلی مانند مدت زمان مصیبت عظیم، روش تعمید آب و طرز اداره و رهبری کلیسا است. به طور مثال، ممکن است کسی در رابطه با هویت "ارواحی که در زندان مسیح با آن ها موعظه کرد" (اول پطرس 3: 19) و مدت زمان مصیبت عظیم، باور اشتباهی داشته باشد ولی هنوز هم نجات داشته باشد، درحالیکه غیر ممکن است شخصی نجات توسط فیض و الوهیت مسیح را انکار کند و نجات یابد. (یوحنا 8: 24)

چگونگی تشخیص فرقه های منحرف:

شناسایی بعضی گروه های منحرف، بسیار ساده است. شخص هوشیار به سادگی می تواند از روی خصوصیات واضح بدعت ها، آن ها را تشخیص دهد.

1- طرز تفکر در مورد مسیح :

عیسی مسیح، خداوند و تنها راه نجات انسان است. در واقع، یک بدعت در رابط با مسیح، چیز دیگری را برابر با او ذکر می کند. این می تواند یک آیین و تشریفات مذهبی، یک تعلیم و داکترین باشد که با مسیح برابری می کند. به عبارت دیگر، حتی اگر مسیح را به عنوان نجات دهنده بشناسد، این طور عنوان می کند که " برای رفتن به آسمان شما احتیاج به چیزهای دیگری غیر از نجات دارید." بعضی بدعت ها تعلیم می دهند که نجات نه تنها توسط مسیح بدست می آید بلکه علاوه بر آن، به وسیله راه بی نظیر و کوچک آن ها. بدعت های دیگری هستند که به طور کلی، نجات توسط مسیح را قبول ندارند. آن ها ممکن است حتی مسیح را با معلمین مذهبی خود و شخصیت های تاریخی مشهور برابر نمایند. سریع ترین راه تشخیص یک بدعت و فرقه منحرف این است که آن ها چه نظر و عقیده ای در مورد مسیح دارند.

2- القای ترس به پیروان خود :

فرقه های منحرف دائما به پیروان خود تعلیم می دهند که نجات تنها به وسیله خودشان به آن ها داده می شود. آن ها می گویند که اگر پیروانشان آن ها را ترک کنند، نجات را از دست خواهند داد.

3- ستایش رهبر بدعتها :

فرقه های منحرف، اغلب یک مرد یا زن را که در صدد بدست آوردن قدرت، ثروت و فریب مردم هستند به عنوان مرکز خود قرار می دهند. این امر در کلیسای "Unification church" دیده می شود. در کلیسای "Children of God" موسس دیوید برگ، یک رهبر مستبد می باشد. در کلیسای "People's Temple" جیم جونز، توجه پیروانش را به خود جلب کرد و از آن ها خواست تا با او بمیرند. رهبر واقعی یک هدف عمده دارد و آن جلال دادن خداوند عیسی می باشد. وقتی کسی می گوید که یک بینش بی نظیر نسبت به خدا دارد و یا اینکه یک شخص خاص است که خدا او را مسح کرده که به تمام دنیا برسد، شما باید متوجه شوید که با یک فرقه منحرف روبه رو هستید.

4- بی میلی رهبران نسبت به رشد روحانی اعضا :

یک شبان واقعی، هر کار ممکن برای رشد سریع اعضاء خود انجام می دهد. او نه تنها از یافتن بهترین تعالیم لازم برای اعضاء خود کوتاهی نمی کند، بلکه سعی می کند مردم را به طرف رشد روحانی سوق دهد. بعضی فرقه ها، اعضاء خود را کاملا به خود وابسته می کنند طوری که آن ها توانایی مستقل بودن و تصمیم گیری را از دست می دهند. در این موارد اغلب از روش شستشوی مغزی استفاده می شود، تا اعضا را تبدیل به آدم آهنی کنند.

5- تلاش فرقه های منحرف برای حمایت اعضا در زمینه احتیاجات عملی :

فرقه های منحرف سعی می کنند که در زمینه هایی که اعضا احتیاجات عملی دارند، آن ها را حمایت کنند. به این وسیله آن ها اعضا خود را جذب کرده، با زبان محبت آمیز خود، اشخاصی را به خود وابسته نموده، در نهایت آن ها را پیرو خود می کنند. امروزه فرقه های بسیاری کارهایی از قبیل یافتن همسر برای مردان، مجرد و کمک های مالی به نیازمندان می کنند تا از این طریق در زمینه های اجتماعی با مردم همراه شوند.

چند فرقه منحرف :

شاهدین یهوه :

آن ها اعتقاد دارند که تنها 144 هزار به بهشت خواهند رفت. به عقیده آن ها عیسی خداوند نیست بلکه یک فرشته است. به نجات، به عنوان هدیه ای مجانی از طرف خدا اعتقاد ندارند. آن ها تثلیث را نمی پذیرند و فقط به یهوه ایمان دارند. در حقیقت کتاب آن ها، کتاب مقدس نیست زیرا آیات زیادی از آن را تغییر داده اند تا اعتقادات خود را بهتر مورد تأیید قرار دهند.

مورمون ها :

مورمون ها به یک ارتداد ایمان دارند. آن ها اعتقاد دارند که پس از مرگ اولین رسول، کهانت بر روی دنیا از بین رفت. هیچ شخصی از طرف خدا نبود که کلیسا را رهبری کند. دنیا در تاریکی روحانی به سر می برد. در سال 1800، ژوزف اسمیت ادعا کرد که خدا به وی گفت که هیچ کلیسای حقیقی نیست. او اعلان کرد که خدا او را خوانده تا مثل انبیای عهد عتیق باشد و کلیسای مسیح را که شامل کهانت، انبیا و رسولان بود، بر زمین دوباره بنا کند. به او این قدرت داده شده بود که گزارش انبیای گذشته را در کتابی به نام کتاب مورمون ثبت کند. او می گوید که خدا قدرت برتر کائنات است اما همیشه این مقام را ندارد. او به تدریج توسط زندگی کاملاً عادلانه، مقام خدایی یافت. مورمون ها هم چنین تعلیم می دهند که خدای پدر، دارای یک بدن جسمانی و استخوان است. مورمونیزم معتقد است مثل همه ما مسیح و شیطان، قبل از اینکه روح مسیح توسط مریم در بیت لحم جسم بپوشد، برادران روحانی و فرزندان خدا بودند.

امیدواریم که این درس شما را تشویق کند تا کلام خدا را بخوانید. همه ما باید انجیل، یعنی بنیاد ایمان خود را بشناسیم و در دعا از خدا راهنمایی بطلبیم. پاسخ ما نسبت به فرقه های منحرف اطرافمان باید همراه با احترام و محبت باشد. باید برای آن ها دعا کرد زیرا روح القدس قادر به تبدیل دلها است.

عناصر ایمان	مسیحیت تاریخی	شاهدین یهوه	مورمون ها	کلیسای مسیح	مدرسه اتحاد مسیحی	کلیسای علوم مسیحی
برترین و عالیترین وجود	خدای واحد- یک شخص- عالی و برتر. خدایی که خالق و خداوند هر چیزی است که وجود دارد. او تا ابد به عنوان خدای تثلیث زنده است: پدر، پسر، روح القدس پیدایش 1، تثنیه 6: 4، متی 28: 19	یک خدا که به طور خاص یهوه نامیده می شود. روح القدس خدا یک نیروی غیر شخصی است. تعلیم تثلیث را رد می کنند.	خدا(پدرآسمانی) که دارای جسم و بدن فیزیکی و استخوان است. یک شخص که قبل از خلقت وجود داشت.	یک وجود غیر شخصی اما قادر مطلق که اصل زندگی، محبت و فکر است.	اصل غیر شخصی، هوش و ذکاوت جهانی و محبت	یک وجود برتر که ذات واقعی آن به وسیله هر شخص شناخته می شود.
عناصر ایمان	مسیحیت تاریخی	شاهدین یهوه	مورمون ها	کلیسای مسیح	مدرسه اتحاد مسیحی	کلیسای علوم مسیحی
اعتقادات کلیدی در تاریخ	عیسی مسیح از ازل با پدر بوده. از طریق مریم باکره تجسم یافته است. یوحنا 1: 1-12	چارلز تازه راسل (1852-1916)	ژورف اسمیت (1844-1805)	مری بیرکرای (1821-1910)	چارلز (1854-1948) مرتل (1845-1931)	ل. ران هابرد (1911-1986)

عناصر ایمان	مسیحیت تاریخی	شاهدین یهوه	مورمون ها	کلیسای مسیح	مدرسه اتحاد مسیحی	کلیسای علوم مسیحی
شخصیت مسیح	یک شخص الهی و آسمانی و ابدی با دو طبیعت و ذات الهی و انسانی، که به عنوان انسان کامل بر زمین متولد شد. او نمونه برتر شخصیت الهی و محبت خداست برای بشریت. مسیح مکاشفه کامل و نهایی خدا و محبت اوست. یوحنا 1:1-13	یک مخلوق با مراحل وجودی مختلف در خلقت: (1) میکائیل، رئیس فرشتگان و یا کلمه (2) عیسی، انسان کامل که در تعمیم به مسیح تبدیل شد. (3) بعد از قیام روحانی دوباره تبدیل به میکائیل شد اما اسم عیسی را حفظ کرد.	عیسی سر چشمه روحانی و فیزیکی خداست، توسط پیش آفرینی. عیسی یک روح پیش خلقتی است که به عنوان روح خدا و فرزند و برادر لوسیفر (شیطان) می باشد.	عیسی، جدا از مسیح، یک موجود بشری است مه پیش از هر شخص دیگر "ایده مسیح" را نشان می دهد.	عیسی یک انسان مشخص بود که روح مسیح در او ساکن شد.	عیسی یک معلم بزرگ و برتر است که شخصیت الهی خود را به وضوح شناخت.
عناصر ایمان	مسیحیت تاریخی	شاهدین یهوه	مورمون ها	کلیسای مسیح	مدرسه اتحاد مسیحی	کلیسای علوم مسیحی
کارهای مسیح	مسیح متولد شد، زندگی کرد و مرد در یک زمان خاص در تاریخ (واقعه تاریخی) او زندگی مقدس و بی گناهی داشت و داوطلبانه به عنوان قربانی گناهان بشریت روی صلیب مرد. او مایا (مسیح) خداوند و نجات دهنده است. یوحنا 1:14-18 16:3	فدیه مسیح و قربانی او بر صلیب نجات را ممکن ساخت.	مرگ او تضمین می کند غیر اخلاقیات برای همه است، بدون نظر گرفتن ایمان آنها. اما شادی یک نفر فقط توسط اعمال باید کامل شود. مسیح در باغ جتسیمانی برای گناه اولیه آدم رنج کشید.	مسیح نشان دهنده راه و شفا دهنده است.	مسیح نشان دهنده راه است و مصلوب شدن او، قربانی نبود، بلکه صلیب به معنی فیض رهایی بخش است.	مسیح یک نجات دهنده در میان بسیاری از مردم است و به آنها تعلیم می دهد.

عناصر ایمان	مسیحیت تاریخی	شاهدین یهوه	مورمون ها	کلیسای مسیح	مدرسه اتحاد مسیحی	کلیسای علوم مسیحی
منابع مقتدر	کتاب مقدس (عهد عتیق و عهد جدید) کلام بی نظیر و مکاشفه کامل و الهام یافته خداست. کلام خدا مرجع نهایی برای ایمان و عمل است. دوم تیموتائوس 3: 16 - 17	انجیل (ترجمه دنیای جدید کتاب مقدس) تفسیر شده توسط "واچ تاور بایبل" و "ترکا سوسایتی"	انجیل (به جز قسمت های اشتباه). کتاب مورمون، تعالیم و عهدها، مروارید گران بهای مکاشفات انبیای مورمون	انجیل که به طور ماورالطبیعه تغییر شده، تسط "مری بیکر ادی" به عنوان کلید برای کتب مقدس.	انجیل که توسط "فیلمورز" تفسیر شده، دارای یک معنی بیرونی (لغوی) و یک معنی درونی (ماورالطبیعه) می باشد. نوشته های مقدس دیگر هم دارای ارزش می باشند.	نوشته های انتخاب شده توسط "هوبارد"، مخصوصاً کتاب "دیانتیکس" که شامل علوم مدرن سلامتی روانی است.
عناصر ایمان	مسیحیت تاریخی	شاهدین یهوه	مورمون ها	کلیسای مسیح	مدرسه اتحاد مسیحی	کلیسای علوم مسیحی
تعلیم بشریت	بشریت بخشی از خلقت است که از خدا و بقیه خلقت مجزا می باشد. بشر شبیه خدا آفریده شده و هر شخصی به طور مجزا موجودی با ارزش است. پیدایش 1: 26 - 28	انسان تجسم یهوه است. روح است ولی ابدی نیست و قادر است به یهوه واکنش نشان دهد.	تولد روحانی و ازلی خدا، به طور اساسی خوب و خدایان در مرحله جنین.	انسان ها به شکل و تجسم مسیح خلق شده اند، به همین دلیل الهی می باشند. انسان روح است و ماده نمی باشد.	همه مردم روح مسیح را در خود دارند.	روح بی گناه و الهی انسان در 3 قسمت خوب است: جان، افکار (ذخیره تجربیات گذشته) و جسم (فیزیکی)
عناصر ایمان	مسیحیت تاریخی	شاهدین یهوه	مورمون ها	کلیسای مسیح	مدرسه اتحاد مسیحی	کلیسای علوم مسیحی
مشکل اساسی بشر	انسان با اراده آزاد خود، بر علیه خدا گناه ورزید و طبیعت الهی را از دست داد. در نتیجه لعنت گناه بر وی آمد.	گناه: طغیان عمدی علیه یهوه	گناه: ناطاعتی از قوانین خدا. سقوط آدم در نقشه خدا، باعث از دست دادن اخلاقیات شد و هرکس مسئول گناه خود می باشد.	تصور اینکه ماده حقیقی است. (ماده، گناه، شیطان، بیماری و مرگ واقعی نیستند).	قصور در شناخت و زندگی و انرژی الهی و آسمانی و شخصی.	آثار وراثتی (رفتار اکتسابی و واکنش هایی از گذشته، شامل دوران زندگی گذشته و تجربیات پیش از تولد) باعث جلوگیری شخص از شناخت خود به عنوان یک موجود الهی می کند.

عناصر ایمان	مسیحیت تاریخی	شاهدین یهوه	مورمون ها	کلیسای مسیح	مدرسه اتحاد مسیحی	کلیسای علوم مسیحی
راه حل برای مشکلات اساسی انسان	نجات و رهایی از گناه و قدرت آن. در واقع هدیه ای که توسط فیض خدا و ایمان شخص به مسیح، به دست می آید.	تبعیت از یهوه به علاوه اعمال(تعמיד، وفاداری در پیشبرد ملکوت خدا. به آنانی که یهوه را رد می کنند، در سلطنت هزار ساله، فرصت دوباره داده می شود.)	جلال یافتن توسط اطاعت از تعالیم مورمون ها: توبه، ایمان، تعמיד، موهبت، ازدواج الهی. تعמיד برای مردگان که باعث نجات از مورمون ها می شود.	بیرون کردن تخیلات و تصورات واقعی در رابطه با گناه، ماده، شریر، بیماری و مرگ. توجه کردن به تمام واقعیت های روحانی.	توسط اتحاد آگاهانه با مسیح مردم می توانند بر انگیزه های ناگهانی خود غلبه کنند و بدن های خود را به سمت سلامت ابدی تبدیل کند. در نتیجه با خدا، زندگی ابدی داشته باشند.	مشاوره باعث رهایی شخص از تجربیات بد گذشته می شود و شخص را شفاف می سازد به طوری که به الوهیت خود را وقف گردد.
عناصر ایمان	مسیحیت تاریخی	شاهدین یهوه	مورمون ها	کلیسای مسیح	مدرسه اتحاد مسیحی	کلیسای علوم مسیحی
اصول اخلاق (سیستم ارزشی)	ارزش نهایی بشریت بستگی دارد به شخصیت خدا و 10 فرمان. بشر به طور بالقوه خوب هستند نه به طور اجتناب ناپذیر. آن ها همیشه برای تازه کردن و احیای شخصیت خود، احتیاج به فیض خدا دارند.	آنانی که نسبت به یهوه وفادار نیستند عادل نمی باشند. همه سازمان های زمینی که توسط شیطان کنترل می شوند، لازم است که شاهدین یهوه در انجیل "واچ تاور" اطاعت کنند.	مردم مجبور به اطاعت از قوانین خدا هستند. از مورمون ها انتظار می رود که "کلام حکمت" را مورد توجه قرار دهد. (قوانین رهبری)	عالمین مسیحی به طور جدی وعده می دهند که برای داشتن(فکر مسیح) دعا کنند و نیز برای اطاعت از قانون طلایی، رحیم، عادل و پاک بودن.	ملکوت آسمان یا هماهنگی در میان مردم وجود دارد. این مردم قانون را که در فکر و ذهن الهی موجود است، برقرار کرده و قانون طلایی	برای کمک به خود و دیگران باید اشخاص بتوانند از شناخت و علم استفاده عملی کنند. آزمون نهایی این سوال است که آیا استفاده عمل از این مسئله در زندگی شرایط را توسعه خواهد داد یا خیر.
عناصر ایمان	مسیحیت تاریخی	شاهدین یهوه	مورمون ها	کلیسای مسیح	مدرسه اتحاد مسیحی	کلیسای علوم مسیحی
زندگی پس از مرگ	ارتباط ابدی با خدا در آسمان و جدایی ابدی از خدا در جهنم. عبرانیان 9: 27	144 هزار نفر برای سلطنت با مسیح در ملکوت خدا (آسمان) انتخاب شده اند. شاهدین یهوه دیگر، بر زمین جلال یافته (بهشت) زندگی می کنند. نابودی برای همه آنانی که یهوه را رد کرده.	3 نوع ملکوت: 1) زمین جدید و آسمانی. جایی که مردان تبدیل به خدایان یا فرشتگان می شوند. 2) زمین خاکی برای اشخاص عادل غیر مورمون. 3) زمین خاکی برای گناهکاران. تباهی و مرگ روحانی برای شیطان و شریران.	از آنجایی که مرگی نیست، هر فردی با پرواز دیگری به سوی کاملیت در محبت، نور و راستی منتقل می شود.	اگر مردم در زمان خال زندگی خوبی داشته باشند، در ادامه آن نیز اط زندگی خوبی برخوردار خواهند شد. مردم در طول زندگی همواره در حال پیشرفت به سمت اتحاد نهایی با یک خدای غیر شخصی هستند.	تجسم مجدد روح یا جان تا اینکه شخص به خود آگاهی روحانی و آزادی از ماده ، انرژی، فضا و زمان برسد.

